

ارمغان بہارستان (۵)



نامہ حائر کے

(جشن نامہ استاد عبدالحسین حائر کے)

بکوش

عبدالحسین طالعی

باہمکاری

مرکز پژوهش کتابخانہ مجلس شورای اسلامی



Armaghān-i-Bahārestān (5)

Nāme-yi-Ḥā'erī

(Prof. Abdolhossein Haeri's Festive Book)

Compiled by
Abdolhossein Tale'ei

In Cooperation With
**The Research Centre of the Library of
Islamic Consultative Assembly**



TEHRAN-2013



سرشناسه	: طالعی، عبدالحسین، ۱۳۴۰-
عنوان و نام پدیدآور	: نامه حایری: جشن نامه استاد عبدالحسین حائری / به کوشش عبدالحسین طالعی، با همکاری مرکز پژوهش کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
مشخصات نشر	: تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۵۰۰ ص.
فروست	: ارمغان بهارستان؛ ۵.
شابک	: 978-600-220-179-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
عنوان دیگر	: جشن نامه استاد عبدالحسین حائری
موضوع	: حائری، عبدالحسین، ۱۳۰۶ --- یادنامه ها
موضوع	: نسخه های خطی --- مقاله ها و خطابه ها
شناسه افزوده	: ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
شناسه افزوده	: ایران. مجلس شورای اسلامی. کتابخانه، موزه و مرکز اسناد. مرکز پژوهش
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ب۲ ح / ۱۰۴ Z
رده بندی دیویی	: ۰۱۰/۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۶۲۴۹۴

نامه حائری

(جشن نامه استاد عبدالحسین حائری)

به کوشش:

عبدالحسین طالعی



با همکاری:

مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

تهران - ۱۳۹۲



نامه حائری

(چشم‌نامه استاد عبدالحسین حائری)

به کوشش: عبدالحسین طالعی

با همکاری مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی

حروفچینی: ملیحه بوجار

صفحه‌آرایی: فاطمه بوجار

شماره انتشار: ۳۹۷

ناظر چاپ: نیکی ایوبی‌زاده

چاپ اول: ۱۳۹۲

بها: ۲۷۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰

شابک: 978-600-220-179-9

انتشارات و توزیع:

میدان بهارستان، خیابان مجاهدین اسلام، نیش کوچه آجانلو،

ساختمان پلیس + ۱۰، طبقه سوم؛ تلفن: ۳۳۵۴۸۱۴۷-۸

نشانی سایت اینترنتی: www.Ical.ir

نشانی پست الکترونیکی: Pajooheshlib@gmail.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است.

به نام صورت آرای معانی

فرسنگ کهن و دیرینه، دیون نادره مردانی است که عاشقانه بر کسترش و ترویج آن، پای فشردند و دشواریهای راه را نادیده گرفتند.

در این مسیر پر فراز و نشیب، توجّه به میراث مکتوب خطی، نقشی اساسی داشته و دارد و بزرگانی معدود که در این وادی استوار ماندند، حتی بزرگ برآیندگان دارند.

استاد عبدالحسین حائری، در صیانت، کسترش، شناسایی، احیاء پژوهش نسخه‌های خطی، جایگاهی بی‌بدیل دارد. شصت سال تلاش بی وقفه در این راه، با خلوص و ایثار و همت و پشتکار، همراه با ترمیم و تشویق دیگران به پیوستن به این راه روشن، کارنامه‌ای درخشان برای ایشان پدید آورده است.

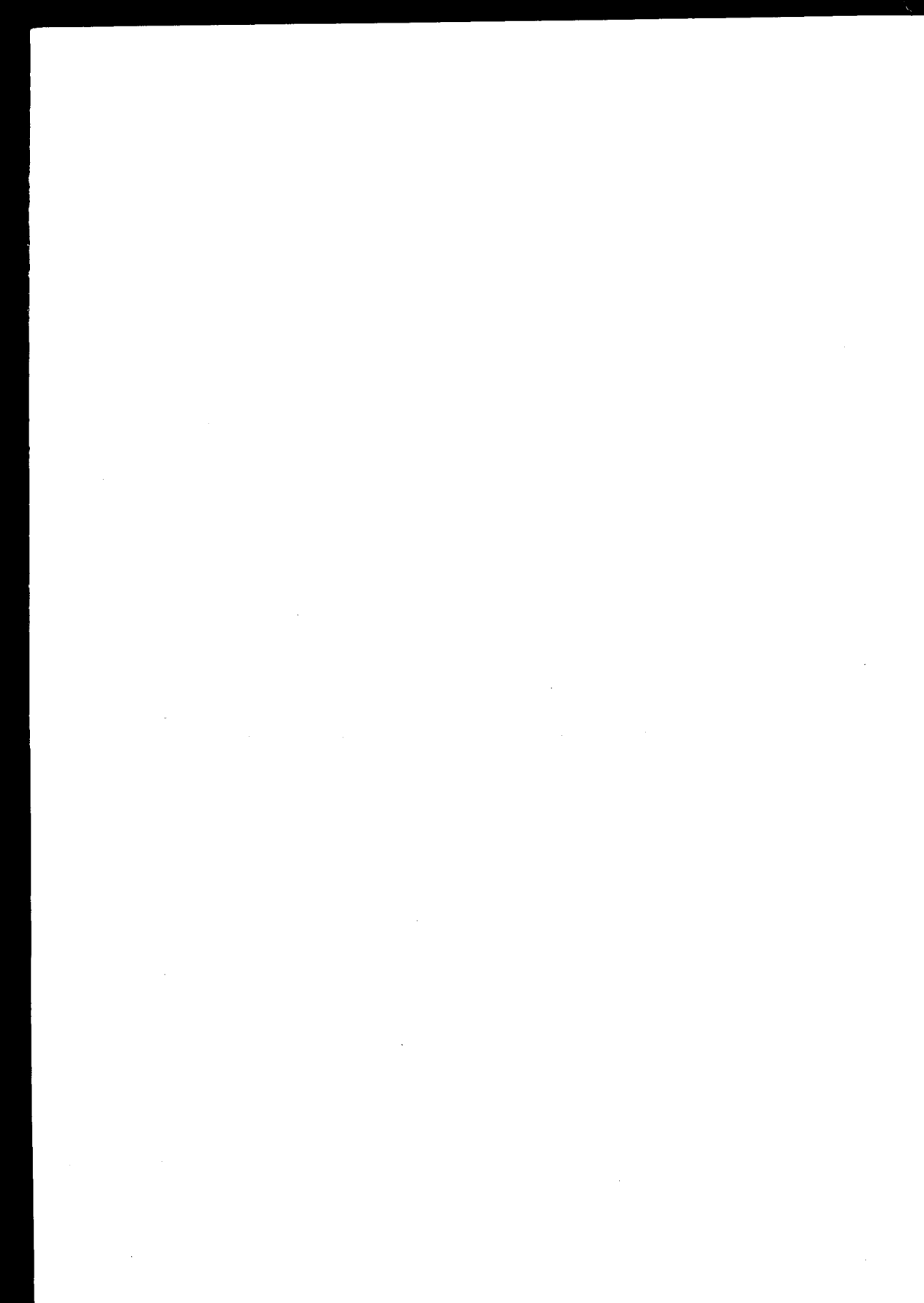
به جرات می‌توان گفت که غنای کنجینه دستنوشته‌های کتابخانه مجلس، دیون درایت و عشق استاد حائری است که در معرفی آن، اهتمام تام کماشت، و در صیانت از آن به جان کوشید و سرمایه عمر خود را مصروف داشت.

کتابخانه مجلس، افتخار دارد به سکرانه تلاشهای عاشقانه و بی‌شائبه استاد حائری در شناسایی، گردآوری و معرفی آثار ملی، مراتب پاسکزاری خود را از ایشان، ابراز کند، و این جشن نامه را به مناسبت مجلس نکو داشت معظم له، تقدیم محضر ایشان نماید.

محمد رجبی

رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی



فهرست مطالب

۱. درباره استاد حائری

- مقدمه / عبدالحسین طالعی ۳
- در سیاس از استاد استادان / احسان الله شکراللهی ۹
- سی سال در مکتب استاد (کمالات اخلاقی، علمی و انسانی استاد حائری از زبان استاد مستوفی) //
- علی صادقزاده وایقان ۲۵
- ما را هم از این نمد، کلاهی دادند / سید عبدالله ناصری ۳۵

۲. مقالات

- خطوط نویافته از معین الدین اسفزاری / بهروز ایمانی ۴۳
- نظرات فی الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ مصطفی جواد بغدادی / ویراستار: محمد حسین نجفی ۵۳
- جنگ مدح و معجزات / علی حیدری یساولی ۹۵
- معرفی نسخه‌ای کهن از قرآن کریم / کریم دولتی ۱۴۱
- محمد حسین بن خلف تبریزی، مؤلف برهان قاطع، در مقام کاتب / مهدی رحیم پور ۱۵۹
- دو گزارش از شیوه‌های احیا و مزمت نسخ خطی / حمید سلیم گندمی ۱۷۳

- راه حل تازه‌ای برای حدیث «نیه المؤمن خیر من عمله» از آیت‌الله شیخ مرتضی اشستیان / محسن صادقی . ۱۹۹
- یادداشت‌های سید محمد جزایری بر سی و دو نسخه خطی / عبدالحسین طالعی ۲۰۷
- تصحیح انتقادی متون در ادبیات عرب؛ ام. جی. کارتر / ترجمه سید علی کسائی ۲۳۵
- مقدمه الکلام شیخ طوسی و شروح آن / حسین متقی ۲۸۳
- قرآن شماره ۹۶۹ کتابخانه مجلس و قواعد کتابت آن / سید حسین مرعشی ۳۰۳
- بازخوانی چند وقفنامه قرآن کریم / فاطمه یزدان پناه ۳۲۷

۳. رسالات

- خاطرات مشروطیت؛ حسن شکوهی / تصحیح یوسف بیگ باباپور و مسعود غلامیه ۳۴۱
- التهللیة فی شرح کلمة التوحید؛ فاضل هندی / تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی ۳۸۷
- رسالة الاسدیة فی انساب السادات العلویة؛ سراج‌الدین محمدقاسم عبیدلی سبزواری / تصحیح
محمدکاظم رحمتی ۳۹۷
- قصیده فراتیه سید محمد کربلایی؛ با ترجمه منظوم و حواشی میرزا ابوالقاسم قمی / به کوشش
عبدالحسین طالعی ۴۶۵

۴. تصاویر ۴۷۸

جان بی‌قرار؛

شصت سال تکاپوی استاد عبدالحسین حائری در کتابخانه مجلس

به دریا‌های بی‌پایاب، برگردان صدف‌ها را
به ماهی‌ها، به شهر آب، برگردان صدف‌ها را
بگو چیزی که پنهان آرزو دارید، باید شد
بگو ساحل تهی‌دست است، مروارید باید شد

تقدیر و تشکر از مفاخری که در قید حیات هستند، در واقع، تجلیل از نخبگی و فرهیختگی و شناساندن آنان به نسل جوانی است که تجربه‌ای از فعالیت در کنار این مفاخر را نداشته‌اند.

برگزاری نکوداشت مفاخر ایران زمین، نشان‌دهنده آن است که ایرانیان به آنان که از روی صدق و صفای باطن در جهت اعتلای فرهنگ کهن این مرز و بوم می‌کوشند، حرمت می‌نهند و در حقیقت، این امر، تعظیم شعائر عظیم اخلاقی و تکریم سجایای بلند انسانی است.

استاد دانشمند و گرانسنگ، جناب عبدالحسین حائری، از معدود فرهیختگان ایران زمین است که در عرصه‌های مختلف علوم عقلی و نقلی، بیش از نیم قرن، فعالیت کرده است. مجتهدی فاضل و عارفی عاشق است. از همین روی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی، مفتخر است که به پاس شش دهه تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر جناب ایشان در زمینه شناسایی و معرفی، پاسداری و پاسداشت از نسخ خطی، میراث عظیم ایرانی و اسلامی به جای مانده از نیاکان فرهمند و فرهیخته این سرزمین سترگ و اهورایی، همایش نکوداشت استاد عبدالحسین حائری را برگزار نماید.

حضور استاد عبدالحسین حائری در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و نقش وی در راهنمایی پژوهشگران و نگاه راهبردی و ژرف‌اندیش او در هدایت بسیاری از آثار پژوهشی، کتابخانه مجلس را به دانشگاهی برای محققان و جستجوگران عرصه دانش و پژوهش بدل کرده بود چنان‌که همگان به آن اذعان دارند، استاد با روی گشاده و عاری از هرگونه غرور و نخوت و با افتخار چون کتابداری دلسوز به راهنمایی می‌پرداخته است. همان‌طور که خود، صفت یک کتابدار را حوصله، تحمل و آرامش وی می‌داند و برآستی، خود نیز، نمونه‌الای یک کتابدار بوده و هست.

عشق و شیفتگی استاد عبدالحسین حائری به کتاب و کتاب‌خوانی و فهرست‌نویسی، امری نیست که بسادگی بتوان آن را در این سطور توصیف کرد و به نقش کشید. به واقع، استاد حائری، استاد راهنمای معنوی بسیاری از پایان‌نامه‌های سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشجویانی است که روزی در بخش خطی کتابخانه، دست یاری به سوی وی دراز کرده‌اند و جناب ایشان با سعه صدر خود، دستان آنان را فشرده است.

بدرستی و راستی، حائری، استاد استادان است که در ببحوحه انقلاب اسلامی، از منابع ارزشمند کتابخانه پاسداری کرد و آنچه که اینک در اختیار دانش‌پژوهان قرار گرفته است، حاصل دلسوزی، حمیت و تلاش ایشان است.

طی سالیان گذشته، مراکزی در حد بضاعت خود، مراسم تقدیر برای استاد برگزار نمودند، ولیکن از آنجا که کتابخانه مجلس، موطن، مهد اصلی و خانه دائمی استاد عبدالحسین حائری است، از این روی، مراسم نکوداشت ایشان در شهریور ماه ۱۳۹۲،

از سوی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و در میان آنانکه سال‌ها با وی همکار بوده‌اند، برگزار می‌گردد و این جشن‌نامه نیز به پاس تلاش و همت وی در تمام سال‌های خدمت به فرهنگ و تمدن غنی ایرانی و اسلامی، تقدیم حضور ایشان می‌گردد. باشد که سایه‌اش سال‌های سال مستدام باشد و استاد تا سحرگاهان قرون، به شادکامی بپاید و بزید. ان شاء الله تعالی.

در این مجال اندک، از یکایک همکاران گرانقدری که به هر صورت در ستاد اجرایی این همایش زحمت کشیده‌اند، سپاس و امتنان دارم.

همچنین، رجاء واثق دارد که این همایش، ظرف این زمان کوتاه، از مرحله ایده تا عمل، حاصل حمایت‌های همه جانبه استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر محمد رجیبی، ریاست محترم کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است. از صمیم قلب، تشکر و قدردانی ویژه‌ام را ز همه عزیزان همکار و ریاست محترم این مجموعه معظم، تقدیم می‌دارم.

ومن الله التوفيق و عليه التكلان

محمد حیدری

مدیر روابط عمومی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد

مجلس شورای اسلامی

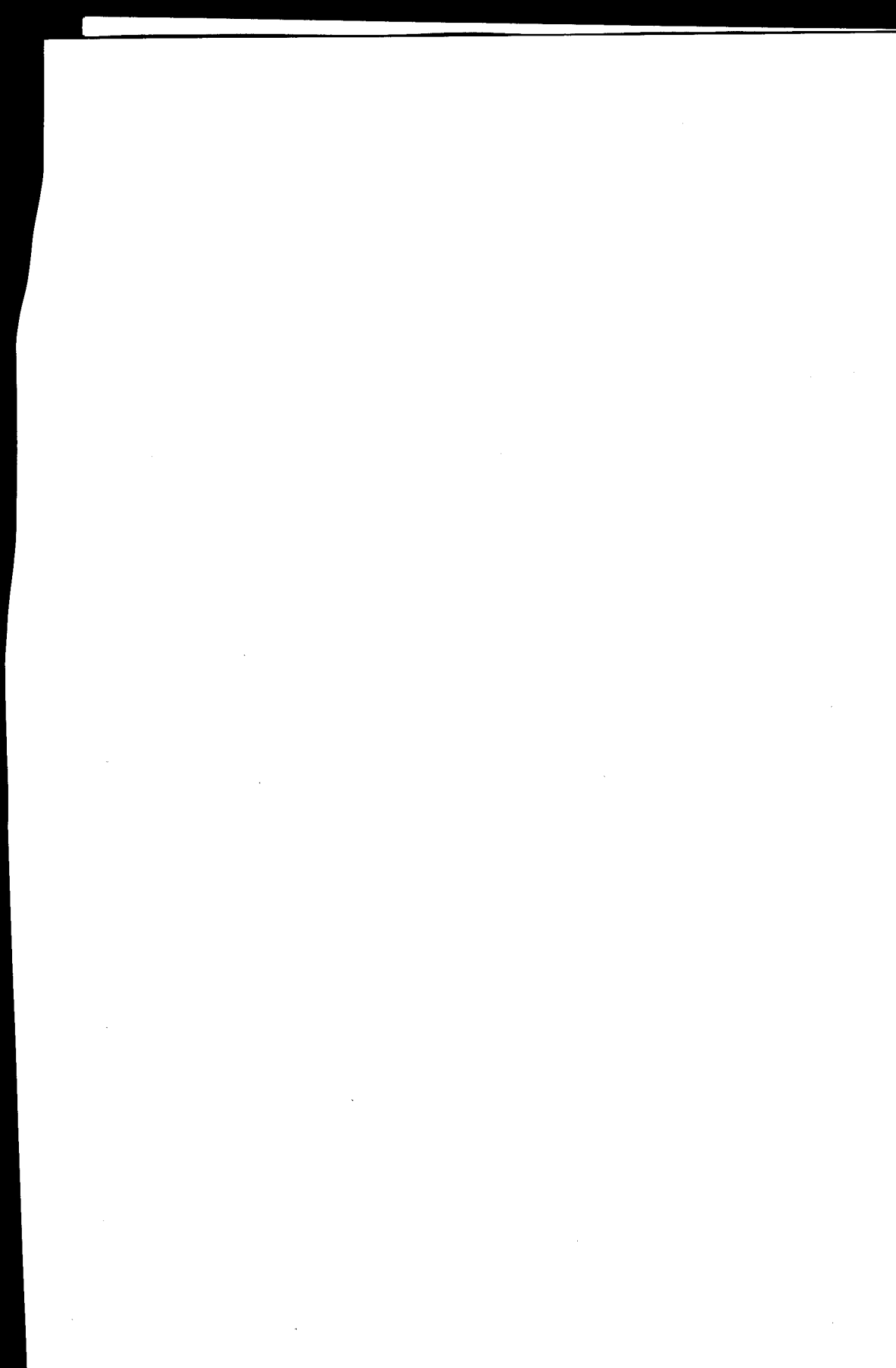
و

دبیر اجرایی همایش نکوداشت

استاد عبدالحسین حائری



۱. درباره استاد حائری



مقدمه

عبدالحسین طالعی

۱. در سده‌های پیشین، کتابخانه گنجینه‌ای برای تولید دانش بود و کتابدار - یا به تعبیر آن زمانها، گنجور - دانشوری جامع و ذوفنون بود که پس از گذراندن دوره‌های مختلف و دستیابی به دانش‌های گونه‌گون تا حدّ بالا، گام در کتابخانه می‌نهاد، و کوله‌بار دانش و تجربه‌ای را که اندوخته بود، در اختیار کاربران و دانش‌پژوهان - در تمام سطوح و سنین و در حوزه دانش‌های مختلف - قرار می‌داد.

بدین روی، کتابدار، بدون این که فناوری‌های امروزمین وجود داشته باشد، با تسلط بر حوزه‌های مختلف دانش و منابع و شرح حال دانشوران گذشته و معاصر، پرسشها را پاسخ می‌گفت، و خود، کتابخانه‌ای زنده در کنار کتابخانه کاغذین بود.

این تعریف از کتابدار، با ظهور و بروز مدارس جدید کتابداری به تدریج رنگ باخت. البته تجزیه علوم و پراکندگی دانش‌ها - که یکی از ویژگی‌های سده‌های اخیر بود - نیز به این فرایند کمک کرد. ضعف تدریجی روحیه علم‌خواهی، افول انگیزه‌های اخلاقی و ترویج روحیه شتاب‌ورزی برای رسیدن به «دانستنی‌های زود بازده»، بخش از عواملی بودند که متانت و حوصله و ژرفایی را - که در دانشی مردان کهن، نهادینه شده بود - به

شتاب‌ورزی و تُنک‌مایگی بدل کرد. روند تغییر مفهوم دانش بر این مبنا، بحثی است دراز دامن که این مجال کوتاه را فرصت تبیین آن نیست.

۲. یکی از بزرگ مردان عرضه دانش و پژوهش، که بحق نمادی از «گنجورهای ذوفنون» دیروزین در دنیای پرشتاب امروزین است، استاد محقق جناب عبدالحسین حائری است؛ دانشی مردی به راستی وارسته، که بیش و پیش از ادب درس، به ادب نفس شهره است و بدین ادب، آموزگاری راستین است.

از خاندانی دانش‌پژور - خاندان آیت‌الله حائری یزدی - برآمده؛ با ذهنی تحلیل‌گر و حافظه‌ای بس توانمند، در محضر بزرگان دین و ادب و دانش زانو زده و به مقام «ذوفنون» رسیده است؛ و آنگاه که زمان بهره‌رسانی به مردم فرا می‌رسد، حضور در کتابخانه را در میان امکان‌های دیگر فیض‌رسانی - بر می‌گزیند؛ آن هم کتابخانه‌ای که بیشترین ارتباط را با مراکز قدرت دارد. در اینجا پرده‌ای از کمالات اخلاقی استاد نمایان می‌شود: وارستگی و زهد به معنای راستین آن، که در استاد حائری بوده و هست، سبب می‌شود که در طول بیش از نیم قرن، فقط به خدمت بیندیشد، نه سوء استفاده از جایگاه برای رسیدن به نام و نان، چرا که زهد را در گذار از نام و نام یافته و به این دست آورد، از ژرفای جان دل‌بسته است.

بدین روی، کمترین عُلقه را به کانونهای قدرت نمی‌پسندد. و به خوبی و در عمل خود به همگان می‌نمایاند که مقام مانای علم، بسی والاتر و ارجمندتر از قدرت گذرا است.

۳. استاد حائری، ذوفنون بودن را در خدمت به کاربران و جویندگان دانش به کار می‌گیرد، بدون هیچ گونه تبعیضی در سن، ملیت، عقیده، گرایش، اخلاق فردی یا هر عاملی دیگر که می‌تواند تفاوتی میان کاربران را سبب شود. یعنی تمام بایسته‌های اخلاقی را که در منشورهای اخلاق حرفه‌ای کتابداری، به عنوان کمال مطلوب - و گاه با نگاه دست نیافتنی - بدان می‌نگریستند، به صحنه عمل درآورد و نشان داد که اجرای آن چه زیبا و دیدنی است.

خود، کمتر نوشت؛ اما نوشتنی‌ها را به دیگران آموخت. در محافل علمی کمتر حاضر شد، ولی گفتنی‌ها را به کسانی که در آن مجالس حضوری یافتند، به خوبی سپرد. راهنمای ده‌ها تن از دانش‌پژوهان در سطوح مختلف - و گاه مربی آنان در مسیر دانش و اخلاق و پژوهش - شد، بدون این که اصراری داشته باشد که آن پژوهش‌ها را به نام خود ثبت کند. به حقوق ماهیانه مختصری قناعت کرد. و غالباً همان را بی‌خبر از دیگران به نیازمندان بخشید. از سفر چشم پوشید، با آنکه امکان آن را به خوبی داشت. از تعطیلات مکرر و فراوان گذاشت و بارها، روزهای تعطیل نوروز در کتابخانه حضور یافت.

وجودش حله‌ای است تنیده از دانش‌اندوزی و دانش‌آموزی، بافته از ارادت به خاندان وحی، پیامبر و دودمانش، که بدون روی و ریا و بدور از افراط و تفریط‌های رایج، در عمل به آموزه‌های آسمانی آنان کوشیده و درس زندگی را، در پیوند استوار میان دین و دانش و عمل، به دیگران داده است. و چه نیکو معلمی است که زمزمه محبتش در جانها نشست است، بدان سان که عطر این پیوند، از همان شاگردان به نسل‌های بعد رسیده است.

۴. جایگاه والای استاد در عالم مخطوطات، روشن‌تر از خورشید و بی‌نیاز از بیان است. نام استاد حائری با نسخه‌های خطی گره خورده و هر کدام، دیگری را تداعی می‌کند. البته او خود، به مخطوطات به عنوان مقدمه‌ای برای «تدوین تاریخ علم شرق» نگریسته و هرگز این دنیای پر از رمز و راز را نقطه هدف نداشته است. شاید به همین جهت باشد که در دنیای دست‌نوشته‌های شرقی همواره سخن تازه دارد و نویافته‌هایش اهل نظر را از چهارگوشه جهان به بهارستان کشانده تا تحلیل‌های تازه - مبتنی بر یافته‌های جدید - را از زبانش بشنوند.

دریغا! که تنها قطراتی از آن دریاهاى موج خیز، به قید کتابت در آمد. و این یعنی، مشکل بزرگ ما، که قدر بزرگانمان را نمی‌دانیم و آنها را از کمترین حقشان - یعنی دستیار دانا و هوشمند - محروم می‌کنیم.

همان نوشتارها - که نسبت به گسترهٔ دانش استاد، بسی اندک است - فضاهایی جدید بر روی پژوهشگران، به ویژه علاقمندان به حوزه نسخه‌های خطی، گشوده است. در میان تمام حوزه‌های مربوط به مخطوطات، فهرست‌نویسی بیشترین بهره را از استاد برده، که تحلیل تجربه‌ها و شیوهٔ ایشان در معرفی کتابهای خطی، خود عنوان پژوهش‌هایی تواند بود.

۵. در نگاه دیگر می‌توان گفت که نام حائری با نام کتابخانه مجلس چنان پیوند استوار یافته که هر یک، دیگری را به یاد می‌آورد.

کتابخانه مجلس در طول حیات خود - نزدیک به نود سال - فراز و نشیب زیادی پشت سر نهاده و تلاطم‌های زیادی را شاهد بوده، اعم از تغییرات مدیریت دوره‌های مختلف مجلس شورا (پیش از انقلاب: شورا و سنا)، تا رویدادهایی مانند روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷. در تمام این قضایا، استاد حائری همچون پدری دلسوز که فرزندان خود را زیر بال و پر بگیرد، تمام کتابها و اسناد کتابخانه مجلس را به جان دوست داشته و در حفظ آنها با ایثارگری شگفتی کوشیده است.

این فداکاری عاشقانه در جهت نگاهداری موجودی کتابها و اسناد، برگی زرین در تاریخ کتابداری شرق است که باید بارها برای نسل‌های جدید بازگفت و بازنوشت. در یک کلام؛ وجود استاد خود نمادی است از تمام اهداف یک کتابخانهٔ پیشرفته: مجموعه‌سازی، سازماندهی، مدیریت، حفاظت، اخلاق حرفه‌ای، تولید علم، اشاعهٔ اطلاعات و... هر فصلی از این همه، عنوان پژوهشی تواند بود.

۶. وجودش یک پارچه شوق است و انگیزه، برای دانستن و عمل کردن و آموختن، در عین گذار از هر آنچه پای حرکت به سوی کمال را می‌بندد، و بال پرواز را به قید می‌کشد.

بیش از هشتاد سال بدین منوال گذرانده و تنها عاملی که او را از این سیر محروم ساخته، کهولت و خانه‌نشینی است که حجت موجه برای استراحت و تعطیل کارهای

علمی است؛ که اگر چنین نبود، استاد با معنای بازنشستگی نیز بیگانه بود. در این معبد، خالصانه عبادت کرده و در راه سلوک را در عمل نمایانده است. و از آن روی همگان عزیزش می‌دارند که: «آتشی که نمیرد، هماره در دل اوست.»

۷. این دفتر، بهانه‌ای است برای عرض ادب به چنین دانشی مردی حکیم، که امروز، در سن ۸۶ سالگی همچنان دست محبت پدران بر سر اهل دانش و پژوهش و دین و ادب می‌کشد، و هنوز به «خدمت» می‌اندیشد، که حاصل یک عمر پربرکت او در همین یک کلمه نمود می‌یابد.

مجال برای تهیه این مجموعه، اندک بود و بضاعت این ناتوان، بسیار کمتر از آنچه ورود به این عرصه را اجازت دهد.

خوشبختانه توان و اخلاص و همت استادان و یاران همراه، بر ضعف این ناتوان سرپوش نهاد، که همگی آنان را از بن دندان، سپاس باید گفت. پیش از این، در چند دفتر دیگر، به آفاق زندگی علمی و آثار حیات پربرکت استاد پرداخته شده، مانند برخی از مجلدات مجموعه‌های حدیث عشق، کتاب ماه کلیات، پیام بهارستان و ارجنامه خانه کتاب.

بدین روی، حذر از تکرار را، در مورد حضرت استاد، به چند گفتار اکتفا شد، چرا که خود، درس دوری از تملق را در طول دهها سال به ما آموخته است.

طبعاً به جای تکرار مکررات، به حوزه‌های مختلف دانش که آن بزرگ در آن زمینه‌ها خدمت کرده و راه نشان داده، وارد شدیم. تلاش بر آن بوده که دسته‌گلی دماغ پرور به پیشگاه پژوهشیان پیشکش شود، تا آنان، از خوانی گسترده - در محضر استاد عبدالحسین حائری - بهره گیرند.

۸. فرصت و امکان این ضیافت معنوی را - که در آستانه میلاد گرامی هشتمین حجت خدا، امام علی بن موسی الرضا - صلوات الله علیه - برپا می‌شود - چند عامل فراهم آورد: تواضع درس‌آموز استاد حائری، تلاش و همت پدیدآوردندگان این جستارهای

علمی، مدیریت و حُسن نظر دکتر محمد رجبی (ریاست محترم کتابخانه)، و پی‌گیری ثمربخش جناب ایمانی (مدیر محترم مرکز پژوهش کتابخانه)، و سرانجام وقت‌شناسی و زحمات شبانه‌روزی بخش‌های مختلف تولید این دفتر، اعم از حرف‌چینی، صفحه‌آرایی، لیتوگرافی، چاپ، صحافی و دیگر یاران همراه که هر یک گامی در این راه برداشتند.

عمری دراز همراه با شفا و سلامت برای جناب استاد عبدالحسین حائری از خدای بزرگ می‌طلبیم. و تداوم این راه - راه بروز ایمان و خلوص و زهد در عرصه دانش و پژوهش - را برای همگان، از آفریدگار مهربان خواستاریم.

در سپاس استاد استادان

احسان الله شکراللهی طالقانی

شادماتم که یکبار دیگر به پاس نزدیک به شش دهه تلاش خستگی ناپذیر استاد عبدالحسین حائری در کتابخانه مجلس به ویژه در زمینه شناسایی و معرفی نسخه‌های خطی، و بیش از بیست سال سابقه ریاست کتابخانه مجلس، مراسم بزرگداشت ایشان از سوی این کتابخانه با حمایت مراکز علمی و پژوهشی برگزار می‌شود. فرصت را مغتنم شمرده و شمه‌ای از سرگذشت و دستاورد این استاد گرانقدر و سرمایه دانشی و ایمانی را آنگونه که یافته و دانسته‌ام، برای درج در جشن‌نامه‌ای که به همین مناسبت فراهم می‌آید بازمی‌نویسم، تا اندکی از دین خود به آن فرزانه روزگار را ادا کرده باشم.

این استاد گرانقدر که در حوزه اسناد و نسخه‌های خطی از چهره‌های ماندگار ایران زمین به حساب است، و با نظریه بازنویسی تاریخ علم بر اساس بازنویسی فهرست نسخه‌های خطی جایگاه ویژه و شناخته شده‌ای در میان اهل پژوهش دارد، طی سالیانی دراز که میراث مکتوب این سرزمین به تاراج می‌رفت، آنرا با عشق گردآوری و با دقت معرفی کرده است، و در شیوه شناساندن این آثار مهارت، حوصله و سلیقه‌ای و سواس‌گونه به خرج داده، آن‌چنان که امروز هریک از نمونه‌های کار ایشان الگوی دیگر فهرست‌نویسان است، و معیار اعلای دقت و درایت.

در سپاس استاد استادان

احسان الله شکراللهی طالقانی

شادمانم که یکبار دیگر به پاس نزدیک به شش دهه تلاش خستگی ناپذیر استاد عبدالحسین حائری در کتابخانه مجلس به ویژه در زمینه شناسایی و معرفی نسخه‌های خطی، و بیش از بیست سال سابقه ریاست کتابخانه مجلس، مراسم بزرگداشت ایشان از سوی این کتابخانه با حمایت مراکز علمی و پژوهشی برگزار می‌شود. فرصت را مغتنم شمرده و شمه‌ای از سرگذشت و دستاورد این استاد گرانقدر و سرمایه دانشی و ایمانی را آنگونه که یافته و دانسته‌ام، برای درج در جشن‌نامه‌ای که به همین مناسبت فراهم می‌آید بازمی‌نویسم، تا اندکی از دین خود به آن فرزانه روزگار را ادا کرده باشم.

این استاد گرانقدر که در حوزه اسناد و نسخه‌های خطی از چهره‌های ماندگار ایران زمین به حساب است، و با نظریه‌ی بازنویسی تاریخ علم بر اساس بازنویسی فهرست نسخه‌های خطی جایگاه ویژه و شناخته شده‌ای در میان اهل پژوهش دارد، طی سالیانی دراز که میراث مکتوب این سرزمین به تاراج می‌رفت، آن را با عشق گردآوری و با دقت معرفی کرده است، و در شیوه شناساندن این آثار مهارت، حوصله و سلیقه‌ای وسواس گونه به خرج داده، آن چنان که امروز هریک از نمونه‌های کار ایشان الگوی دیگر فهرست نویسان است، و معیار اعلای دقت و درایت.

ایشان هرگز در انجام این مهم کیفیت را فدای کمیت نکرده، و تا ممکن بوده در بازنمایی ابعاد کتابشناختی و نسخه‌شناختی آثار مورد بررسی کنکاشی عالمانه به خرج داده‌اند، تا آنجا که بسیاری از مدخل‌های فهرست‌های تنظیمی از سوی ایشان حکم یک مقاله تمام‌عیار علمی را دارد، برعکس برخی از دیگر فهارس که سیاه‌های مختصر و ابتر از آگاهی‌های غیرقابل اعتماد و اعتناست. این‌گونه، ایشان در مقابل اکثریتی که تنها بر کمیت پای می‌فشرده‌اند و همچنان می‌فشرند، تقریباً یک‌تنه بار کمیتی مثال‌زدنی را بر دوش کشیده و از این رهگذر نیز حرف‌ها شنیده و دم‌برنیاورده، و تنها بر مسیر درست خویش پای فشرده‌اند؛ مسیری که خوشبختانه امروز رهروانی یافته است.

استاد حائری به عنوان یکی از پرسابقه‌ترین کارکنان و مدیران کتابخانه مجلس بیشترین دوره فعالیت و عمده عمر پربرکت خود را (از ۱۳۳۰-۱۳۸۷ به صورت حضوری و پس از آن به شکل غیرحضوری) در خدمت به اهداف کتابخانه مجلس گذرانده، و در حال حاضر نیز که ایام بازنشستگی و استراحت را سپری می‌کنند، کمابیش پژوهشگران و همکاران کتابخانه را از رهنمودهای ارزشمند خویش بهره‌مند می‌سازند.

استاد عبدالحسین حائری فرزند حجت‌الاسلام میرزا احمد حائری و نواده دختری آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و از عالمان برجسته این خاندان، غروب روز آخر ذی‌حجه سال ۱۳۴۵ قمری، شب اول محرم ۱۳۴۶ که مطابق می‌شود با بهار سال ۱۳۰۶ شمسی متولد شدند. به مناسبت محرم و نام پدر بزرگ مادرشان آقا شیخ عبدالحسین یزدی، اسم ایشان را عبدالحسین گذاشتند.

استاد خود چگونگی آغاز تحصیلشان و دروسی که گذرانده‌اند را اینگونه شرح

داده‌اند:

«ابتدا من مدتی به مکتب رفتم. درس فارسی و قرآن را در همان سال‌های اول مکتب ختم کردم؛ بعد هم در خانه و نزد پدرم مقداری مقدمات عربی و بعضی کتاب‌های لغت، گلستان، اندکی حساب و ابتدائیات و دروس مدرسه‌ای را خواندم. چون سنم کم بود،

خانواده مناسب نمی دانستند که به فیضیه بروم، لذا برای معلم مشکل داشتم و از بعضی معلمین کم سواد راضی نبودم. یادم هست که به دانی ام مرحوم حاج آقا مرتضی حائری شکایت کردم، ایشان تعهد کردند که تمام مقدمات را به من بگویند. مقداری از مقدمات سیوطی، حاشیه ملا عبدالله در منطق، معالم، فصول و قوانین و شرح لمعه را پیش دانی ام خواندم. البته از نظر علمی شأن ایشان بالاتر از آن بود که اینها را درس بدهند. هنگام خواندن قوانین نزد حاجی آقا مرتضی، با آیت الله مشکینی هم درس بودم. مقداری از نحو، سیوطی، جامی و مغنی را نزد مرحوم شیخ قاسم نحوی، که از فضلا و معلمین معروف قم بود، و مقداری هم نزد مرحوم ادیب تهرانی خواندم. مقدمات ادبی را هم پیش چند استاد مانند آقا سید حسن مدرس یزدی، مرحوم آقای صدوقی و آقا شیخ محمد امامی نجفی خواندم».

استاد سطوح عالی فقه و اصول را تا سن نوزده سالگی نزد اساتیدی همچون: آیات عظام حاج شیخ مرتضی حائری، حاج شیخ محمد صدوقی، حاج سید محمدرضا گلپایگانی به پایان بردند و به درس خارج مراجع عالیقدری چون آیات عظام حاج سید محمدتقی خوانساری، حاج سید صدرالدین صدر، حاج سید محمد حجت و حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی راه یافته، و در سن ۲۴ سالگی به درجه‌ی اجتهاد نائل شدند، و از آیات عظام خوانساری، حجت و صدر، اجازه اجتهاد دارند.

جالب این که ایشان خودشان اعتقاد و علاقه‌ای به گرفتن این اجازات نداشته و در جایی فرموده‌اند: «من دنبال درجه اجتهاد نبودم، مرحوم دانی ام حاج آقا مهدی حائری اصرار داشت و معتقد بود که ورقه اجتهاد آثار اداری خوبی دارد، ولی من مخالف استفاده از آن برای کارهای اداری بودم. به هر حال ایشان پیشنهاد کرده بود به آن اساتیدی که من پیش آنها درس خوانده بودم، آقای حجت، آقای صدر و آقای خوانساری و ایشان هم امضا کردند. حاج آقا مهدی برگه را نگه داشتند، این اواخر که لازم داشتم، یعنی مجلس خواسته بود، جست‌وجو کردم، آقای محقق داماد اطلاع داشت که در بایگانی

دولت هست و از آن‌جا پیدایش کرد».

در سال ۱۳۳۰ مسائل سیاسی در قم رسوخ پیدا کرد و تحولاتی پیش آمد که منجر شد به مهاجرت استاد حائری به تهران. اما ایشان یکی از دلایل اصلی این مهاجرت را اصرار دای‌شان شادروان حاج‌آقا مهدی حائری عنوان کرده‌اند که می‌خواستند تهران بیاید و اصرار داشت که استاد حائری هم همراهشان باشد.

استاد حائری بعد از مهاجرت به تهران، به دعوت معاون وقت کتابخانه مجلس آقای دکتر تقی تفضلی بازدیدید از این کتابخانه داشته و به آن علاقمند شدند، و محل مراجعه مستمرشان شده بود، تا آن که تحت شرایطی به عنوان کتاب‌شناس و فهرست‌نویس در بخش خطی این کتابخانه دعوت به همکاری شدند. ایشان خود نحوه آشنایی و ارتباط با کتابخانه مجلس و ماندگاری‌شان را اینطور بیان داشته‌اند:

«در تهران گاه‌گاهی به منزل امام‌جمعه زنجانی [آیت‌الله سید محمود زنجانی] که از علمای بزرگ و فقیه عارف‌مشرقی بود می‌رفتم. تصادفاً یک روز آقای تفضلی را در منزل امام‌جمعه ملاقات کردم. آقای تفضلی معاون کتابخانه مجلس بود و برای تحصیل دکترای حقوق به فرانسه رفته و آن وقت به طور موقت در ایران بود. ایشان مرا دعوت کرد. به کتابخانه مجلس آمدم، این‌جا و مخازن خطی را به من نشان دادند. از آن روز به بعد هرروز می‌آمدم اینجا، و اینطوری پای‌بند شدم».

از دیگر مؤثرین در ماندگاری استاد حائری در کتابخانه مجلس، وجود دکتر ناصر شریفی پسر آقای ابراهیم شریفی رئیس وقت کتابخانه بود. او که در سال دوم فوق لیسانس ادبیات نیاز به یاری استاد داشت از ایشان خواهش کمک کرد تا برای امتحان آماده شود و استاد پذیرفتند. ناصر شریفی که بعد از قبول شدن می‌خواست محبت استاد را به نوعی جبران کند، ایشان را به همکاری در این کتابخانه دعوت کرد و به اتفاق رفتند نزد پدرش که رییس وقت بود. مرحوم ابراهیم شریفی ماجرای را که برای کتاب‌های خطی پیش آمده بود و اقدام فهرست‌نویس قبلی کتابخانه در جابه‌جایی بعضی

کتاب‌ها را برای استاد شرح داد و گفت: «مشکلی که الآن هست، قفسه‌های کتب خطی از طرف دادگاه مهر و موم شده و مجلس هم احتیاط می‌کند که شغل فهرست‌نویسی و کار با نسخ را به فردی مطمئن واگذار کند، و حالا شما چون مورد اعتماد هستید، اگر بخواهید این کار عملی است».

با اظهار آمادگی استاد مراحل اداری به جریان افتاد، و چون می‌بایست موضوع در شورای عالی کتابخانه تصویب می‌شد و تشکیل شورای کتابخانه خیلی ساده نبود، دکتر ناصر شریفی تلاش بسیاری کرد، و شخصاً به در خانه‌های آقایان عضو شورا (ابراهیم حکیمی، سید حسن تقی‌زاده، عبدالرحمن فرامرزی، دکتر عبدالله معظمی و دکتر جوادی عامری) رفت و مصوبه کار استخدام استاد را به امضای آنان رسانید، و اینگونه مقدمات یک دوره شصت‌ساله فعالیت استاد حایری در کتابخانه مجلس آغاز شد. ایشان نخستین مأموریتی را که در این مکان به عهده گرفتند را چنین شرح داده‌اند:

«اولین کاری که در کتابخانه به من سپردند شناسایی و معرفی حدود صد جلد کتاب عوالم العلوم و المعارف به خط مؤلف بود که از یزد هدیه شده و روی دستشان مانده بود و خواندنش برای کسی مقدور نبود. کار روی آنها را به من واگذار کردند و من با منظم کردن آنها که اوراق متفرق داشت، کارم را شروع کردم».

سپس طی مدت طولانی خدمت استاد حایری توانستند با تألیف هفده مجلد از فهارس خطی و سرپرستی تألیف چندین مجلد دیگر گام بلندی را در معرفی درست و دقیق میراث علمی و ادبی ایران و اسلام بردارند.

استاد حایری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۰، در کنار کار در کتابخانه مجلس با لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز همکاری داشتند، و چهار مجلد از مدخل‌های حرف «ز» که از غنی‌ترین مداخل این لغت‌نامه است در این زمان و توسط ایشان تألیف شد. از همکاران این دوره ایشان آقای دکتر دبیرسیاقی و شادروانان شهاب فردوس، و پروین گنابادی از افراد تحصیل‌کرده و عالی‌مقام در ادبیات فارسی و عربی بودند. آنقدر کار در محیط لغت‌نامه

برای استاد دلچسب بود که تقاضای انتقال به آنجا را دادند، اما سازمان اداری مجلس که نمی‌خواست استاد را از دست بدهد با این درخواست موافقت نکرد، و ایشان تا مدتی به صورت پاره‌وقت آنجا حضور می‌یافتند. توصیف این دوران از زبان استاد شنیدنی است: «در آنجا کار در محیطی بسیار آرام و در سکوت محض انجام می‌شد، ساعت کار آزاد بود؛ اعضا از اول صبح تا هروقت شب که می‌خواستند می‌توانستند کارکنند. نمونه‌ای برای محیط‌های کار تحقیقی؛ از محیط خوشم آمد؛ اقدام کردم برای انتقال، قبول نکردند، مأموریت دادند که چند ساعتی بروم آنجا کارکنم، هر ساعتی که می‌توانم، به میل خودم. گاهی صبح می‌رفتم لغت‌نامه عصر می‌آمدم کتاب‌خانه و گاهی به‌عکس».

در سال ۱۳۴۳ پس از تأسیس اداره بررسی و تحقیق که کارهای فنی و علمی کتابخانه را انجام می‌داد، استاد حائری خود مسئولیت آن را پذیرفتند که تا ۱۳۴۸ این مسئولیت ادامه داشت. از جمله همکاران فاضل استاد حائری در این دوران آقایان سید ابراهیم بوذری، بختیاری، علامه، طهماسبی، دکتر دیباجی، دکتر صادقی، و آقای سید جلال شعاعی بودند. استاد وظایف کاری گروه تحت سرپرستی خود در آن دوران را چنین شرح داده‌اند:

«علاوه بر فهرست‌های خطی که می‌نوشتیم، من طرحی داده بودم که طبق آن می‌بایست فهرست کتاب‌های خطی خارج از کشور که ترتیب الفبایی نداشتند و به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، فرانسه و روسی بودند، به فارسی ترجمه و الفبایی کنیم. هرکدام از همکاران من به یکی از زبان‌های فوق مسلط بودند. در یادداشت‌هایی که به تازگی به آن برخوردم، دیدم که نوشته‌ام حدود شصت هزار کتاب را فیش کردیم؛ مقداری از آن فیش‌ها باقی است و مقداری در نقل و انتقالات از بین رفته است. ما می‌خواستیم کتاب‌های خطی را به صورت موضوعی فهرست کنیم و این طبعاً چند سال طول می‌کشید».

به دلیل طولانی شدن زمان فهرست‌نویسی، رییس وقت کتابخانه، همزمان عده‌ای از

آقایان اساتید را از دانشگاه برای کار فهرست دعوت کرد که عبارت بودند از شادروانان استاد ایرج افشار، استاد محمدتقی دانش‌پژوه و همچنین آقای استاد احمد منزوی که مجموعاً هفت جلد از فهرست‌های مجلس را نوشتند.

بعد از دوران کوتاه ریاست مهندس محمد شهدادی در کتابخانه مجلس، به خاطر عشق و علاقه و کاردانی که استاد حایری از خود نشان دادند در سال ۱۳۵۴ ریاست کتابخانه مجلس بر عهده ایشان گذاشته شد که تا سال ۱۳۷۴ به مدت بیست سال بدون گسست ادامه داشت. استاد حایری تنها مدیر ارشد مجلس شورا بودند که هم پیش از انقلاب برای تصدی پست ریاست کتابخانه مجلس انتخاب شدند، و هم پس از آن بر مسئولیت خود باقی بودند، و این خود نشانه سلامت نفس استاد و توان و جلب اعتماد تصمیم‌گیران و رؤسای پیش و پس از انقلاب در مجلس است.

دوران انقلاب را باید از حساس‌ترین برهه‌های کاری استاد حایری در کتابخانه مجلس قلمداد کرد؛ چرا که از سویی ماه‌های منجر به پیروزی انقلاب همزمان با درگیری‌های خیابانی بود و امنیت فیزیکی کتابخانه مجلس با آن ذخایر ارزشمند در معرض خطر قرار داشت، و از سوی دیگر در ماه‌های پس از پیروزی انقلاب شور و هیجان غالب بر انقلابیون می‌توانست در تصمیمات جدیدی که درباره جایگاه حقوقی کتابخانه مجلس و منابع آن گرفته می‌شود مؤثر و مخاطره‌آمیز باشد؛ که خوشبختانه درایت استاد حایری و ارتباط نزدیکی که با برخی سران انقلاب همچون شهید مطهری و امام خمینی داشتند باعث شد بتوانند آن شرایط دشوار را مدیریت کنند و این کتابخانه غنی را از خطر آسیب‌های احتمالی و متلاشی شدن نجات دهند. مرور این دوران بحرانی و حساس از زبان استاد حایری لطف دیگری دارد:

«کتابخانه را از چند ماه قبل از انقلاب، به نظرم از آبان ماه سال ۵۷ تعطیل کردیم. روز ۲۲ بهمن چون گارد مجلس حدود نیم ساعت مقاومت کرده بود، چند تا از پنجره‌ها شکسته و در نمایشگاه هم یک تابلو (تابلو خاکسپاری حضرت عیسی) تیرخورده بود و

فشنگ هم داخلش مانده بود. یک فشنگ هم به طور شیوار از داخل یک کتاب خطی رد شده بود.

روز ۲۳ بهمن بود، من روزها اغلب می آمدم این جا دور و بر کتابخانه مجلس قدم می زدم و از استنشاق هوای آزادی واقعاً لذت می بردم. کمی که جلوتر آمدم، دیدم در آهنی پشت کتابخانه به کل کنده شده و روی زمین افتاده. نیروهای انقلابی که وارد شده بودند، با آن که این جا مقاومت شده و تیراندازی شده بود، ولی واقعاً هیچ چیز دست نخورده بود. در شیشه ای پشت کتابخانه را شکسته و از وسط بخش خطی عبور کرده بودند و شیشه اتاق اسناد در طبقه هم کف را هم شکسته و بیرون رفته بودند، ولی خوشبختانه دست به چیزی نزده بودند. به من خبر دادند که چند نفر می خواستند از میز مرجع مقداری کاغذ و کتاب آورده، آتش بزنند که آقای بهشتی پور، خواهرزاده آقای دکتر منزوی و نوه مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی که جزو انقلابیون بود، رفته بالای چهارپایه و گفته: اینها اموال مردم است و از این کار جلوگیری کرده بود. من آمدم داخل دیدم یک مشت جوان هستند که تفنگ روی دوش گرفته اطراف مجلس و کتابخانه پاس می دهند. با آنها احوال پرسی کردم. گفتند که از دیشب تا حالا چیزی نخورده ایم و کسی به ما نرسیده است. وقتی پرسیدم، معلوم شد رئیس آنها کسی است به نام ارباب که مقرش در خیابان شکوفه بود، تلفن کردم برایشان غذا آوردند؛ مانده بودم چکار کنم، خدا کمک کرد مرحوم حسن آقا فتح پور (دربان کتابخانه) رسید، با چند نفر کمک کردیم در آهنی را سر جایش محکم کردیم. فردای آن روز تلفن کردم به دفتر امام، آقای ربّانی شیرازی گوشی را برداشت. خودم را معرفی کردم، گفتم چنین وضع خطرناکی این جا حاکم است. روز بعد دوباره تلفن کردم، پرسیدم چکار کردید؟ آقای ربّانی گفت: به خاطر تلفنی که شما کردید، فرستادیم کتابخانه مسجد سپهسالار را که همین وضعیت برای آن جا رخ داده بود با چوپ و تخته بستند.

روز دیگری که همین دور و بر قدم می زدم، برخوردیم به آقای مطهری که چند سال بود

ایشان را ندیده بودم. احوال‌پرسی و مصافحه کردیم، گفتم نمی‌دانم با کتابخانه چکار کنم؟ تحویل کسی بدهم؟ یا همچنان خودم بروم؟ ایشان گفتند که باید با امام صحبت کنم و قرار شد که پس فردا برویم پیش آقای مهدوی‌کنی در کمیته امداد. پس فردا که رفتیم مرحوم آقای مطهری گفتند: «وقتی رفتم خدمت امام؛ دیدم یک نامه آمده، خوشبختانه احتیاج نشد که من مطرح کنم، نامه از آقای عنقا مدیر مالی مجلس و عده‌ای از مجلسیان بود که راجع به کارشان سؤال کرده بودند. امام فرمودند: «حائری کجاست؟» گفتم: هست، امام فرمودند: «بگوئید برود و نظارت در امور کارمنداها بکند و کتابخانه را در اختیارشان بگذارید». آن پیغام به آقای محمدحسن محبوب که رئیس مجلسین منحل بود، رسید. از من پرسیدند کی کتابخانه را بازگشایی می‌کنی، گفتم بعد از تعطیلات عید می‌آیم و کتابخانه را بازمی‌کنم. به کارمندان که متفرق بودند پیغام دادم، ۱۶ فروردین ۵۸، قبل از هر کتابخانه دیگر در کشور کتابخانه مجلس را باز کردیم».

و این‌گونه کتابخانه مجلس به عنوان قدیمی‌ترین کتابخانه رسمی کشوی نخستین کتابخانه‌ای بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی گشایش یافت.

نکته مهم دیگر در اداره کتابخانه مجلس توسط استاد حایری آن بود که تا پیش از پیروزی انقلاب کتابخانه مجلس صرفاً مورد استفاده نمایندگان مجلس و برخی سران و بزرگان و خواص از علما بود و امکان دسترسی به منابع برای همه پژوهشگران فراهم نبود. استاد حایری که از سویی می‌دیدند با جابجایی محل تشکیل مجلس این کتابخانه از دسترس نمایندگان دور مانده، و از سوی دیگر منابع موجود در این کتابخانه مشتاقان فراوانی دارد، با تغییر قانون استفاده از این کتابخانه زمینه حضور و استفاده عموم پژوهشگران را فراهم نمودند، و به تعبیر خودشان پس از پیروزی انقلاب در کتابخانه مجلس به روی همه مردم باز شد.

از دیگر نقاط برجسته عملکرد استاد حایری در دوران پس از انقلاب نقش ایشان در جلوگیری از انحلال کتابخانه مجلس سنای سابق است که در آن شرایط به شدت بیم

پراکندگی منابع آن می‌رفت. همانگونه که اهل پژوهش می‌دانند کتابخانه مجلس سنا از غنی‌ترین کتابخانه‌ها در داشتن منابع حوزهٔ ایرانشناسی، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی به زبان‌های فارسی، عربی و لاتین در خاورمیانه بوده و مجموعه‌سازی آن با دقت و سواسی خاص زیر نظر کارشناسان خبره و کتابشناسانی چون دکتر عباس زریاب خویی، و دکتر کیکاوس جهاننداری صورت گرفته است. این کتابخانه که از آغاز تأسیس تا سال ۱۳۵۷ هجری شمسی تحت عنوان «کتابخانه مجلس سنا» فعالیت داشت، پس از انقلاب اسلامی به پیشنهاد استاد حائری با عنوان «کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی» ادامه حیات داد، و از سال ۱۳۶۳ ریاست کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی نیز به استاد حائری واگذار شد. این کتابخانه اکنون نیز با عنوان کتابخانه ایرانشناسی در مجموعه سازمان مستقل «کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی» فعالیت دارد، و محل مراجعهٔ پژوهشگران بسیاری است.

استاد حائری در سال ۱۳۶۸ عضو هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور شدند، و به این ترتیب تا مدتی اثر مثبت نظرات کارشناسی ایشان شامل حال همهٔ کتابخانه‌های عمومی کشور شد.

صرف نظر از فعالیت‌های رسمی استاد حائری، حضور ایشان در جمع دوستانهٔ علما و فرزندان روزگار از نکات قابل تأمل در زندگی ایشان است. به عنوان نمونه باید از حضور ایشان در جمع اصحاب چهارشنبه نام برد. علمایی که چهارشنبه‌ها در مجلسی که در محل مدرسه شهید مطهری (سپهسالار) شرکت می‌کردند، و برخی از ایشان عبارتند از شادروانان محیط طباطبایی، احمد آرام، دکتر محمد معین، دکتر سید جعفر شهیدی، دکتر موسوی بهبهانی و آقای شیخ عبدالله نورانی.

استاد همچنین از فضیلتی خارجی و داخلی که بعضی هرسال مراجعه داشتند و برخی چندسال یکبار به دیدارشان می‌آمدند، چنین یاد کرده‌اند: «آقای نوری عثمان‌اوف از اعضای آکادمی مسکو که جزء مصححین شاهنامه بود، آقای دکتر عبدالرحمان بدوی

و آقای زکی اسکندر از علمای عرب، آقای رشدی راشد که مصری بود و آقای اکیو موشکین که دکترای نسخه‌شناسی قرن نهم و دهم را داشت، و فهرست کتابخانه لنین‌گرا را نوشته بود و پروفیسور پیه مونته ایتالیایی که روی شاهنامه کار می‌کرد و کاملاً با ما دوست شده بود، و خیلی کسان دیگر که الآن خاطریم نیست. از ایرانی‌ها هم بایستی بگویم تقریباً همه‌ی فضلا و اساتید ایرانی از داخل و سراسر دنیا به کتابخانه مجلس رفت و آمد داشتند و دارند، ولی آقای محیط طباطبایی از دوستان قدیم کتابخانه و ما بود و این‌جا در واقع پاتوق ایشان بود، و سال‌های طولانی عضو شورای قیمت‌گذاری و عضو شورای عالی کتابخانه بود، ضمن این که به عنوان مشاور کتابخانه تمام وقتش در اختیار کتابخانه بود».

اما اگر بخواهیم از مهم‌ترین دغدغه استاد حایری طی این سال‌ها بنویسیم باید نخست از مسائل فهرست‌نگاری نسخ خطی و چگونگی آن بگوئیم، و سپس از ضرورت بازنویسی تاریخ علم بر مبنای فهرس دقیق و درست. ایشان همواره به این موضوع حساس بوده و بی‌اغراق در تمام لحظات بیداری با دقتی و سواس‌گونه آن را دنبال می‌کردند. بارها از زبان استاد حایری شنیدم که نوشتن فهرست نسخه‌های خطی کار آسانی نیست و نیازمند داشتن شرایط و توانمندی‌های چندی است، از دانستن زبان نسخه‌ها تا شناختن علوم مندرج در آن‌ها، و توان شناختن مؤلفان و یافتن زمان حیات ایشان، و توان خواندن انواع خطوط و تشخیص نوع کاغذ و جلد و آرایه‌ها و اندازه‌های آن‌ها و حتی آسیب‌های نسخه‌ها و دقت در متن و حاشیه و علائم موجود در آن‌ها، و موارد دیگری از این دست که فراهم نمودن و جمع شدن همه آن‌ها در یک‌نفر بسیار سخت و دیرپاب است.

در همین زمینه ایشان در گفتگویی فرمودند: «یک نقص دنیای فهرست‌نویسی این است که همه‌ی فهرست‌نویسان ما شرایط لازم را ندارند. یعنی در حقیقت یکی از آن شرایط دانستن زبان عربی است. شرایط دیگر یکی شناختن موضوعات علوم و دانستن

و مقید بودن به کتاب شناسی و نسخه شناسی است، که باید مراقب باشیم بدون احراز این شرایط کسی این وظیفه را به عهده نگیرد».

استاد در آسیب شناسی فرایند فهرست نویسی اضافه می کنند: «فکر می کنم یکی دیگر از شرایط لازم مسأله مادی کسانی است که وارد این جرگه می شوند. ببینید الآن طوری است که بعضی از فهرست نویس ها آدم هایی هستند که از طرز کارشان پیداست ذوق این کار را دارند، حالا سرمایه علمی شان هم در جریان کار بیشتر می شود، ولی مسأله این است که اکثراً اصرارشان بر این است که درآمد خود را زیاد کنند و از این راه به زندگی بهتر برسند؛ این رفاه طلبی با کار فهرست نویسی در آمیخته ... بنابراین فهرست نویسی تبدیل شده به شغلی که برای افراد درآمد سازی بیشتری دارد... و طبعاً چنین فهرست نویسانی عجله دارند کارشان را زود تحویل بدهند تا هرچه زودتر پولشان را تحویل بگیرند. اثر همین شتابزدگی است که در فهرست ها غلط هایی موجود است. کتاب هایی با عنوان عوضی یا اشخاصی با اسم اشتباهی آن جا هست، و ناشناخته ها همچنان ناشناخته مانده... این ها باید اصلاح بشود».

استاد همچنین در خصوص باز نویسی تاریخ علم برمبنای فهرس خطی نظریه ارزشمندی را ارائه داده اند که در محافل علمی شناخته شده است. طرحی که خود به اختصار شامل چند مرحله است:

۱. شناسایی و فهرست کردن نسخه های ثبت و معرفی نشده؛
 ۲. باز نویسی و اصلاح فهرس پیشین؛
 ۳. تهیه نمایه ها و راهنمای موضوعی و الفبایی؛
 ۴. جمع بندی یافته ها، و تألیف و باز نویسی تاریخ علم ایران، دنیای اسلام، و جهان؛
- اینجانب در معرفی نظریه جناب استاد حائری مقاله ای ترتیب داده ام که در کنفرانس ایفلائی ۲۰۰۴ در بوینس آیرس ارائه گردید و متن فارسی آن در کتاب ماه کلیات شماره ۸۱ و ۸۲ (شهریور و مهر ۱۳۸۳) منتشر شده است.